

بررسی عوامل فردی مؤثر بر ضرب و جرح مأموران نیروی انتظامی از منظر فقه و حقوق

(مطالعه موردی نیروی انتظامی استان سمنان)

زهرا فیضی^۱، مختار یوردخانی^۲، فائزه جهان^۳ *

چکیده

نیروی انتظامی مهم‌ترین سازمان متولی نظم و امنیت در جامعه است که پرداختن به مسائل و مشکلات رفتاری آنان، ضروری به نظر می‌رسد. مأموران با ابزارهای قانونی به ایجاد امنیت و نظم می‌پردازند، اما؛ گاهی برخی مأموران در هنگام اجرای وظیفه سبب ایراد ضرب و جرح نسبت به متهمان می‌گردند؛ اعمال خشونت مأموران نسبت به متهمان، شاخص‌های امنیت و اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر شناسایی روش‌های مؤثر پیشگیری کیفری از جرایم با محوریت جرم ضرب و جرح کارکنان نیروی انتظامی و اولویت بندی آنها می‌باشد. این تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر روش تحقیق توصیفی پیمایشی است، با توجه به ابعاد متغیرهای تحقیق از روش کمی استفاده شده است. جامعه آماری آن مأموران نیروی انتظامی استان سمنان است که ۶۶ نفر به صورت تصادفی با شیوه نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌ای نظام‌مند انتخاب شدند که پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت و اعتبار آن از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن از طریق محاسبه کرونباخ ($\alpha=0.94$) مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. برای محاسبه حجم نمونه از آزمون کوکران استفاده گردید. مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده از تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که از عوامل فردی مؤثر بر بروز خشونت، راضی نبودن از حقوق و مزایا در رتبه اول، نارضایتی از شغل خدمتی در رتبه دوم و وجود روحیه خشونت و تندخویی در رتبه سوم قرار دارد.

کلمات کلیدی: مأموران نیروی انتظامی، خشونت، ضرب و جرح، عوامل فردی.

۱ - استادیار، گروه فقه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران - z.feiz50@gmail.com

۲ - استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران - mokhtar.yourdkhani@gmail.com

۳ - استادیار، گروه روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، ایران - faeze.jahan@gmail.com

۱- مقدمه:

نیروی انتظامی به واسطه شرایط خاص سازمانی خود از خصوصیات منحصر به فردی برخوردار است. تنوع و گستردگی مأموریت‌ها و اهداف از یک سو و گستره ارتباطات درون و برون سازمانی از طرف دیگر، جایگاه این سازمان را ممتاز کرده است. ضرب و جرح متهم توسط مأموران، از جمله جرایم خاص کارکنان دولت است. در میان جرائم تعریف شده از سوی قانونگذار، جرائمی هست که صرفاً کارمندان دولت به اعتبار وظیفه شغلی مرتکب می‌شوند و چون آن جرائم تنها برای محیط‌های اداری به اعتبار وظایف شغلی و اداری مرتکبان در قانون پیش‌بینی شده است، امکان وقوع آنها از افراد غیرکارمند منتفی است و به عبارتی جرائم خاص کارکنان دولت نامیده می‌شود (مهاجری، ۱۳۷۹: ۳۴). ارتکاب این جرم، افزون بر این که برابر قوانین و مقررات کیفری و شهروندی ممنوع است و سبب رواج قانون شکنی پلیس می‌شود باعث بروز نارضایتی مردم از عملکرد پلیس نیز می‌شود. در سازمان‌های نظامی، به لحاظ نوع مأموریت و ویژگی‌های ساختاری و محیطی، همواره امکان بروز پرخاشگری وجود دارد. تعارض بین شخصیت فرد به هنگام ایفای نقش سازمانی و نقش خارج از سازمان و نیز احساس ظلم و تبعیض و عدم دستیابی به انتظارات در محیط‌های نظامی از جمله محرک‌های ابزار رفتارهای پرخاشگرانه و ایراد ضرب و جرح است که در زمینه روابط فردی، درون سازمانی و گاه برون سازمانی کارکنان اختلال ایجاد می‌کند و روابط درون سازمانی را به مخاطره می‌اندازد و به اهمیت شغلی و روانی افراد سازمان نظامی خدشه وارد می‌سازد (شاکری، ۱۳۸۱: ۲۸). کارکنان نیروی انتظامی، عاملان برقراری حفظ و ارتقای نظم و امنیت در جامعه هستند. مردم برای به دست آوردن امنیت به مراکز و کارکنان نیروی انتظامی رجوع می‌کنند و امنیت را در وجود آنها می‌نگرند. این مأموران و حافظان جان، مال و ناموس مردم در صورت بروز رفتارهای خشن و خارج از قواره شغلی و مأموریتی می‌توانند تأثیر منفی در اذهان عمومی ایجاد کنند. این امر علاوه بر این که می‌تواند نارضایتی مردم از عملکرد نیروی انتظامی را ایجاد کند، زمینه را برای کاهش امنیت نیز فراهم می‌آورد؛ بنابراین پیشگیری و مقابله با رفتارهای ناشایست مأموران به ویژه ارتکاب ضرب و شتم مردم توسط آنها، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای دارد (محمدنسل، ۱۳۹۱، ۴). عوامل احتمالی بروز خشونت در نیروی انتظامی را می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد که هدف این پژوهش مشخص کردن عوامل فردی مؤثر بر احتمال بروز خشونت مأموران نیروی

انتظامی در فرایند دادرسی و تعیین میزان تأثیر هر یک از عوامل احتمالی است. هدف اصلی شناسایی و تبیین عوامل فردی مؤثر بر بروز خشونت نیروی انتظامی هدف فرعی شناسایی راهکارهای پیشگیری از ضرب و جرح بر متهمان

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- مفهوم ضرب

ضرب در لغت به معنای زدن و کوفتن و جرح در لغت به معنای زخم خوردن آمده است. ۱. هم‌چنین ضرب در معنای زدن صنف و شکل و جرح نیز در معنای زخم خوردن، ساقط کردن و باطل کردن و رد گواهی گواهان استعمال شده است (معین، ۱۳۸۱). از نظر پزشکی قانونی ضرب به مواردی گفته می‌شود که بدون از هم گسیختگی ظاهری و جاری شدن خون ایجاد گردد. تورم، کوفتگی، سرخی، کبودی و سیاه شدن و پیچ‌خوردن مفاصل بدون شکستگی، تجمع خون در بافتها و خون‌مردگی که به همان صورت کبودی و سیاه شدن تظاهر می‌کند. اما، از نظر جزایی، ضرب به هر صدمه وارده به انسان گفته می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم به صورت زدن یا تصادم و یا برخورد و تلاقی شدید حاصل می‌شود؛ گرچه هیچ اثر زخم و کوفتگی باقی نگذارد، ولی ضربه معمولاً منتهی به سرخی کبودی و سیاهی جلد بدن می‌گردد (عمید، ۱۳۷۲: ۳۴۵).

۲-۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی جرح

جرح در لغت به معنی زخم زدن، ساقط کردن و باطل کردن شهادت و رد گواهی گواهان است (عمید، ۱۳۷۴: ج ۱) در پزشکی قانونی به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته و با خونریزی همراه شد؛ بنابراین هر زخم معمولی و شکستگی استخوان و سوختگی و نظایر آن جزو اقسام جرح است. از نظر جزایی، جرح بر مطلق زخم بدن، چه از غیر وارد شده باشد و چه از فساد در بدن پیدا شود، اطلاق می‌شود و مراد فقها از طرح در این مورد اغلب جراحت وارد شده از غیر است و از نظر فنی مقصود از جرح، هر ضایعه‌ای است که با عوامل و وسایل مکانیکی و یا فیزیکی و یا شیمیایی در اعضای نسوج

بدن انسانی حادث شود اعم از این که این ضایعه درونی باشد یا بیرون؛ ایجاد خونریزی بکند یا نکند و موجب مرض بشود یا نشود. بنابراین هر زخم اصطلاحی و معمولی و شکستگی استخوان و سوختگی و نظایر آن وارد در اقسام جرح است (محمدنسل، ۱۳۹۲: ۱۰).

از لحاظ حقوقی، اذیت و آزار به رفتارها و اعمالی اطلاق می‌شوند که موجب آسیب یا درد و رنج جسمی یا آسیب و آزرده‌گی روحی روانی گردد. بدون آن که در عرف و در اصطلاح ضرب و جرح به شمار آیند. هم‌چنین نباید از واژه آسیب به جای واژه اذیت و آزار استفاده کرد؛ زیرا آسیب از نتایج اذیت و آزار است و نه از خود آن. در واقع، آسیب نقص و زیانی است که بر جسم و حیثیت و یا بر روان اشخاص وارد می‌آید که ممکن است یا از اذیت و آزار ناشی شود یا در نتیجه اعمال و رفتارهای دیگر باشد (ایمانی، ۱۳۸۳).

۳-۲- مفهوم خشونت

به علت گستردگی معنا و مفهوم خشونت در فرهنگ‌های مختلف، این واژه از نظر لغوی، ادبی، اجتماعی، حقوقی و... کاربردهای گوناگونی دارد. خشونت انواع متعددی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خشونت ساختاری، شخصی، قانونی، غیرقانونی، مشروع، غیر مشروع، مجرمانه، انضباطی، غیر مجرمانه، فیزیکی، فرا فیزیکی (معنوی یا کلامی)، واقعی و آیینی یا نمادین اشاره نمود. در این رابطه صاحب‌نظران علوم مختلف از قبیل: روانشناسان، جامعه‌شناسان، فلاسفه و حقوقدانان نیز دیدگاه‌های متفاوتی دارند. در این گفتار به بررسی خشونت از نظر لغوی و اصطلاحی اشاره و ضمن طبقه‌بندی انواع خشونت دیدگاه‌های صاحب‌نظران نیز در این زمینه تبیین می‌شود.

با توجه به ابعاد گوناگون خشونت، هنوز درباره آن معنای مورد توافق و عامی وجود ندارد، این واژه از چنان گستره معنایی برخوردار است که امکان ارایه تعریفی جامع‌ومانع از آن وجود ندارد.

در فرهنگ‌های فارسی و عربی، «خشونت» از نظر لغوی، ادبی، اجتماعی و حقوقی کاربردهای گوناگونی دارد. در زبان فارسی خشونت مصدر است و معانی گوناگونی دارد، از جمله درشتی و زبری، ضد لینت و نرمی، خلاف نعومت، غلظت، سختی و تندی و تیزی، سخت رویی، خشم، غضب، خشکی، خشونت کردن، درشتی کردن و تندی کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۷، ۵۹۳).

از نظر اصطلاحی واژه خشونت ناظر بر نوعی شدت عمل در مقابل دیگران به مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری، ایجابی و سلبی است.

از نظر حقوقی تاکنون تعریف جامعی از خشونت ارائه نشده است. هیچ‌یک از قوانین، خشونت را تعریف نکرده‌اند و نمی‌توان از همان تعریف قانونی «بزهکاری» استفاده کرد. مفهوم خشونت به مراتب وسیع‌تر از بزهکاری است. یک صاحب‌نظر علوم جنائی خشونت را «استفاده نامشروع و غیرقانونی از زور و قدرت دانسته است.» (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۷۹: ۸).

آیت الله سید علی خامنه‌ای در این باره بیان می‌دارد: «خشونت یعنی کشتن، کتک زدن، زندانی کردن، بداخلاقی کردن، تندی کردن، خشونت یک امر واضح و یک معنای بدیهی است...» ایشان بیان می‌دارد که: «اسلام درباره‌ی مسئله خشونت نظر روشن و واضحی دارد. اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده اما در مواردی که خشونت قانونی باشد، آن را نفی هم نکرده است. ما دو گونه خشونت داریم: یک خشونت قانونی است که خشونت قانونی امری است که نه فقط خوب است بلکه لازم است یعنی قانون خشونت را اعمال می‌کند، می‌نویسد که اگر فلان کس این کار را کرد او را به زندان ببرند، این خشونت است اما این خشونت، بد نیست. این خشونت در برابر تجاوز به حقوق انسان‌ها است، این خشونت در مقابل آدم بی‌قانون است، این خشونت در مقابل متجاوز است اگر در مقابل متجاوز خشونت اعمال نشود، تجاوز در جامعه زیاد خواهد شد. اینجا خشونت لازم است. یک خشونت هم خشونت غیرقانونی است مثلاً یک نفر بیجا، خودسر، خودرأی، بر طبق میل خود، برخلاف قانون و برخلاف دستور نسبت به کسی اعمال خشونت می‌کند یک سیلی به گوش کسی می‌زند، آیا این خوب است یا بد؟ معلوم است که بد است و در این شکی نیست که خشونت غیرقانونی، نه فقط بد است بلکه جنایت است و باید با آن مقابله شود این نظر اسلام است. (نماز جمعه مورخ ۱۳۷۹/۱/۲۶)»

۱-۳-۲- خشونت واقسام آن

در علوم اجتماعی خشونت و پرخاشگری به رفتاری اطلاق می‌شود که هدف آن صدمه زدن به خود و دیگران است (تبریزی، ۱۳۸۱: ۷۸). خشونت دارای انواع متعددی است و می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. اما منظور ما از خشونت در این تحقیق

صرفاً خشونت فیزیکی (ضرب و جرح) و خشونت کلامی (توهین و فحاشی) است که در سازمان های پلیسی شیوع بیشتری دارند.

۲-۳-۲- خشونت ساختاری و خشونت شخصی (رفتاری)

در گزارش گروه محققان کمیته مرزی شورای جهانی کلیسا (ژنو ۲۲ تا ۲۹ آگوست ۱۹۷۳) آمده است: «در سال های اخیر پی برده ایم که خشونت صورت های زیادی دارد، امروزه خشونت صرفاً مسأله صدمه بدنی نیست که عمداً و به روش آشکار و شگرف بر یک شخص وارد شود، رویارویی جهانی خصوصاً از زمان اجلاس جهانی کلیسا و جامعه (ژنو ۱۹۶۶) آگاهی ما را از خشونت بیشتر کرده است، تا جایی که مشاهده می شود که در درون بسیاری از ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود، خشونت به نحو بارزی جاباز کرده است. بنابراین هیچ روش ساده ای برای بیان دقیق مفهوم گسترده خشونت وجود ندارد.» (Kat h l een Mass, ۱۹۹۹, ۴۳۱)

طبق تعریف سازمان ملل نیز خشونت از دو دید مورد ملاحظه قرار گرفته است: خشونت فردی یعنی خشونتی که فرد بر دیگران اعمال می کند و خشونت ساختاری یعنی خشونت دولت نسبت به اعضای جامعه. به این معنی که وقتی گروهی در جامعه اجازه ندهند دیگران به این امکانات اجتماعی دسترسی پیدا کنند، نوعی از خشونت ساختاری بروز پیدا می کند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۳).

در حقیقت خشونت ساختاری ناشی از آسیبی است که به وسیله عدم انعطاف ناپذیری و سخت بودن اصول ساختاری در پرداختن به اختلاف ایجاد می شود. اعدام مجرمان سیاسی و زندانی کردن مخالفان به وسیله دولت ها، شکنجه، افراط در جرم انگاری، تجویز مجازات های خشن و... همگی از جمله خشونت های ساختاری موجود در نظام عدالت کیفری است.

خشونت شخصی (مستقیم یا رفتاری) عبارت از انواع خشونتی است که در رفتار و اعمال فرد یا گروهی خاص ظهور پیدا می کند. زورگویی، زیاده طلبی، حرص و آز، حسد، ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی و دیگران، فریادهای نابهنجار، بدگویی ها، انتقام ها، ممانعت افراد از ادامه کار و نهایتاً قانون ستیزی و بزهکاری همگی نمونه هایی از خشونت شخصی یا رفتاری است که در نتیجه آن اختلافات و تعدیات افراد نسبت به یکدیگر ظاهر و ادامه زندگی را با مشکل مواجه می نماید. خشونت شخصی در حقیقت تجلی منفی غرایز بشری

است. عواملی که باعث بروز این غرایز می‌شوند متفاوت است. عواملی همچون ژنتیک، خانواده، محیط مدرسه، محرومیت، نوع تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی و جمعی مانند مشاهده فیلم‌های خشن، هر یک به نوبه خود ممکن است نقش مؤثری در بروز و ظهور غرایز مزبور داشته باشند. این نوع خشونت در حقوق کیفری و جرم‌شناسی تحت عنوان جرم قانونی و یا رفتار ضداجتماعی مطرح می‌گردد، که با توجه به آمار منتشرشده در اکثر کشورها، در حال افزایش است و باعث نگرانی همگان شده است (طاهری، ۱۳۸۱: ۵۸).

۳-۲-۳- خشونت بر اساس نظر سازمان بهداشت جهانی

خشونت، استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی یا تهدید یا تمایل بر روی خود یا شخص دیگر یا بر گروه یا اجتماع است که می‌تواند بدون صدمه یا با احتمال زیاد موجب ایجاد جراحت، مرگ، صدمه‌های روحی و روانی و نقصان رشد یا محرومیت شود. انجمن مبارزه با آسیب‌های رفتاری، خشونت را به شکل ذیل تقسیم کرده است.

خشونت فیزیکی از ضرب و شتم گرفته تا قتل

خشونت کلامی از داد و فریاد، تحقیر کلامی، دشنام گرفته تا تهدید

خشونت اجتماعی هر گونه ایجاد محدودیت در برقراری روابط اجتماعی با افراد دیگر

خشونت اقتصادی تخریب اموال

خشونت نظامی حمله نظامی به کشورهای متخاصم

خشونت سیاسی مبارزه از طریق سیاسی

۳-۲-۴- خشونت قانونی و خشونت غیر قانونی

انسان، موجودی است که زندگی اجتماعی را بر زندگی فردی ترجیح می‌دهد. به‌طورقطع زندگی در اجتماع، برای انسان منافی دارد که مزایای آن در زندگی فردی یافت نمی‌شود.

در این میان همواره عده‌ای وجود دارند که درصدد بهره‌برداری بدون زحمت، از منافع دیگران هستند و عملاً حق آنان را تضییع می‌کنند. از طرف دیگر، در روابط و مناسبات انسانی به دلیل محدودیت‌هایی که در صحنه اجتماعی پیدا می‌شود، یک سری تعارضات و

تراحامات به وجود می‌آید که از نظر تاریخی انسان موجب شده است که برای رفع این‌گونه تعارضات اجتناب‌ناپذیر به قوانین روی آورد. مسلماً دستیابی به زندگی اجتماعی سعادت‌مند تنها در صورتی محقق می‌شود که افراد از این قوانین که مبتنی بر عدالت است، پیروی کنند. گاه وضع این قوانین و ضمانت اجرای آن‌ها ممکن است در قالب کیفر، موجد و منشأ خشونت باشد که از آن به خشونت قانونی یاد می‌شود. البته این نوع خشونت و سختگیری قانونی غیر از خشونت از سر طغیان و خشونت خودسرانه و غیرقانونی است. زیرا اگر کیفر نباشد نظم اجتماعی پدید نمی‌آید و حقوق آحاد مردم و جوامع انسانی تضییع می‌گردد. درحالی‌که خشونت از سر طغیان جامعه را به هرج‌ومرج می‌کشاند. عمده‌ترین ویژگی و خصلت مدنی جامعه انسانی در قبال تجمع گله وار حیوانی و بدوی، قانون پذیری است. بدیهی است که خشونت خودسر از سر طغیان و گردن کشی، نه مجاز(قانونی) و نه مشروع است. خداوند در آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأَلَّا لِيَكْ هَم الظَّالْمُونَ». بدون تردید، با توجه به شمول لفظ «مَنْ» به هر کس، این آیه به خشونت قانونی غیر عادلانه قانون گزار نیز تسری دارد و نمی‌توان آن را منحصر به خشونت‌های غیرقانونی افراد دانست(راعی، ۱۳۷۹: ۲۰۶-۲۳۷).

۵-۳-۲- خشونت فیزیکی و خشونت فرا فیزیکی (معنوی یا کلامی)

منظور از خشونت فیزیکی ضرب و جرح جسمانی، خشونت شفاف و بسیط است و منظور از خشونت فرا فیزیکی (معنوی یا کلامی) تهدید روانی و خشونت پنهان، پیچیده و نوین است. خشونت فیزیکی مواجهه و رودررویی با رقیب و حریف به وسیله سلاح و ضرب و شتم، چوب و تازیانه و به‌طور کلی تعرض به وضعیت مادی فرد با وسایل مادی است. درحالی‌که خشونت معنوی(کلامی یا فرا فیزیکی) مقابله یا حمله به شخصیت، آبرو، آزادی، حیثیت و... افراد به‌وسیله استفاده از روش‌ها و شیوه‌های جنگ روانی است، و در بر گیرنده تحقیر، دشنام و هر نوع آزار و خرد کردن شخصیت و از بین بردن اعتماد به نفس است. یکی از ویژگی‌های این نوع خشونت، این است که خودش را پنهان می‌کند و حتی قربانی خشونت نیز آن را عقب می‌زند، که این امر شاید نوعی مکانیسم دفاعی باشد (اعزاز، ۱۳۸۰: ۱۳).

منظور ما از خشونت در این تحقیق صرفاً خشونت فیزیکی(ضرب و جرح) و خشونت کلامی (اهانت و فحاشی) است. که در سازمان‌های پلیسی به تناسب وظایفی که دارند شیوع بیشتری دارد و بدین جهت مقابله و پیشگیری از آن‌ها نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳-۲-۱- اهمیت و ضرورت پیشگیری در اسلام

پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان با استفاده از تدابیر پیشگیرانه و اقدامات تأمینی و تربیتی در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. رفتار و جرائمی که منافع و مصالح فردی و اجتماعی را تهدید میکند در اسلام حرام است. هم‌چنین تأکید بر اعمال مجازات و بلکه تسریع در اجرای آنها در همین دنیا و موکول نکردن آن به عالم آخرت خود نشان از اهمیت دادن اسلام به آثار و نتایج مجازات در حیات اجتماعی و زندگی مادی انسانها دارد؛ زیرا اگر هدف از اعمال کیفر، تنها مجازات و تنبیه مجرم باشد، این امر به صورت کاملتر در عالم دیگر قابل تحقق است. بنابراین باید گفت در کنار تحقق این هدف، اهداف دیگری نیز مورد نظر خداوند بوده که مربوط به حیات مادی و این جهانی انسانها است و مجازات انسانهای خلافکار و مجرم، کارکرد دیگری غیر از تحقق عدالت کیفری نیز دارد. در نظام کیفری اسلام مانند سایر نظام‌های کیفری، یکی از اهداف مهم، بازداشتن انسانها از ارتکاب جرم و تکرار آن است. اسلام قوانینی وضع نمی‌کند که مجرم آن را نادیده بگیرد. اسلام بعد از ارتکاب جرم در صدد مجازات مجرم بر می‌آید. از مجموع قوانین و مقررات کیفری اسلام، می‌توان این گونه استنباط کرد که هدف اصلی، اجرای این قوانین نیست؛ بلکه هدف اصلی، تأثیر این قوانین در پیشگیری از ارتکاب جرم (مجیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

۳-۲-۱- پیامد حقوقی ضرب و جرح

مطابق اصل ۵ اعلامیه حقوق بشر هیچ کس را نباید تحت شکنجه (ضرب و جرح) یا کفر ظالمانه و غیر انسانی و تحقیر آمیز قرار داد. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح دارد: «هیچ کس نباید در معرض شکنجه یا رفتارها و مجازاتهای بی‌رحمانه و غیر انسانی و موهن قرار گیرد.» ممنوع بودن ضرب و جرح برای گرفتن اقرار از دیرباز در قوانین ایران بوده است. ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مورخ یازدهم شهریور ۱۲۹۰ هجری شمسی سؤالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم را ممنوع اعلام کرده است. ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ نیز تأکید می‌کرد «هرگاه یکی از مستخدمان قضایی یا غیر قضایی دولت برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار

بدنی کرده یا در این باب امری دهد به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۶ سال محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مرتکب، مجازات قاتل را خواهد داشت.»

پس از انقلاب اسلامی ایران نیز به تبع دیدگاه اسلامی در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ممنوع بودن شکنجه تصریح، و تضمین هایی برای جلوگیری از آن پیش بینی شده است. در این راستا در اصل ۳۸ قانون اساسی آمده است: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار با سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود.» هر چند اصل ۳۸ صراحت در ممنوعیت شکنجه و عدم اعتبار اقرار، اطلاع، شهادت و سوگند ناشی از آن دارد، اصول دیگر قانون اساسی از جمله اصول ۲۲-۲۳-۳۲-۳۶-۳۷ و ۳۹ نیز به طور ضمنی مسئله ممنوعیت شکنجه را مورد توجه قرار داده اند.

این اصل بر مبنای داشته های فقهی و بر اساس نظریه عدم جواز شکنجه به تصویب رسیده است. علاوه بر مبانی فقهی، داشته های جهانی در ممنوعیت مطلق شکنجه نیز مبنایی برای تصویب این اصل بوده است. بنابراین مبانی تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی از یک سو قواعد بین الملل و از سوی دیگر تعالیم مکتب اسلام مبنی بر تحریم شکنجه است. اجرای صحیح این اصل در سطح جامعه محتاج به حمایت های کیفی و فرهنگی واجتماعی دارد. در واقع صرف اعلام ممنوعیت اعمال شکنجه در قانون اساسی و یا سایر قوانین غیرکیفری نمی تواند به نحوی مطلوب از اعمال شکنجه در قبال افراد جلوگیری نماید (موسوی فرد، ۱۳۹۶: ۱۴۰)

ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مستقیماً به جرم شکنجه اشاره کرده و این گونه بیان می کند: «هریک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص با پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد. چنانچه کسی در این باره دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به وسیله اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.» افزون بر این، بندهای ششم و هفتم همین ماده بر ممنوعیت هر گونه ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر، استخفاف، پوشاندن صورت و نشستن پشت سر متهم

حین بازجویی، دستگیری و تحقیق تأکید کرده است. در نتیجه این ماده که تعریف جرم شکنجه را از دیدگاه نظام کیفری ایران بیان می‌کند ضمانت اجرای بخشی از اصل ۳۸ قانون اساسی است و اخذ اقرار با اذیت و آزار بدنی از متهم را جرم دانسته است (شکری، ۱۳۸۵: ۵۸۷).

۲-۳-۲- حکم عام حرمت ضرب و جرح عمدی در آیات و روایات

در منابع فقهی از ایراد ضرب و جرح نسبت به افراد، تحت عنوان جنایت یاد می‌شود که شامل قتل (یعنی سلب حیات از دیگری) و ضرب و جرح (که کمتر از سلب حیات است)؛ می‌باشد. آیات قرآن و روایات به طور آشکار بر حرمت ضرب و جرح تأکید کرده‌اند. در آیات و روایات بسیاری نیز به وجوب حفظ کرامت انسانی سفارش شده است. از دیدگاه بسیاری از فقهای امامیه منابع ادله چهارگانه، بر تحریم ضرب و جرح و هتک حرمت انسانی دلالت دارد (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۴۱، ۷۴). مطابق آیات قرآن کریم، جنایت عمدی اعم از قتل عمدی یا ایراد ضرب و جرح عمدی مستوجب قصاص است و قصاص به معنای همانندی کیفر با جنایت وارده می‌باشد. در آیه ۴۵ سوره مائده آمده است: «و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعين و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص» و بر آنها (بنی اسرائیل) حکم کردیم که نفس در مقابل نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش و دندان در برابر دندان (قصاص کنند) و هر زخمی را قصاص خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ج ۴، ۴۹۷).

اگر چه حکم قصاص در کتاب تورات و شریعت حضرت موسی (ع) آمده است، اما جزء احکام امضایی اسلام است و اسلام نیز طبق آیه ۱۷۸ سوره بقره در جنایات عمدی قائل به قصاص شده است. در آیه مذکور آمده است:

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم» ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین شد که مرد آزاد را در مقابل مرد آزاد و بنده را به جای بنده و زن را به جای زن قصاص کنید و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد، کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم

تخفیف(امرقصاص) و رحمت خداوندی است و پس از این دستور هر که تجاوز کند، او را عذابی سخت خواهد بود.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان ابغض الناس الی الله عزوجل من جرد خطر مسلم بغير حق» (حرعاملی، بی تا، ۳۳۶). مبعوض ترین مردم در پیشگاه خدای عزیز و بزرگ کسی است که پشت مسلمانی را به ناحق برهنه کند.

در روایات وارده از رسول خدا(ص) از کسی که برخلاف حق به همنوع خود ضربه‌ای وارد می‌کند، به گردنکش ترین مردم در نزد خداوند تعبیر شده است. در این روایات امام صادق(ع) از پیامبر(ص) این گونه نقل می‌کند: «ان اعتی الناس علی الله... و الضارب غیر ضاربه...» (حرعاملی، بی تا:ج ۱۹، ۱۱).

اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام صادق(ع) در مورد کسی که دیگری را کتک بزند و صورت او را سیاه کند سؤال کردم، حضرت در پاسخ فرمود: «اذا اسودت اللطمه ففیها سنه دنانیر و اذا احضرت ففیها ثلاثه دنانیر و اذا احمرت ففیها دینار و نصف و فی البدن نصف ذلک» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۹، ۲۹۵). اگر صورت سیاه شود، شش دینار و اگر سبز رنگ شود، سه دینار و اگر قرمز شود یک و نیم دینار و در بدن نصف این مقرر است.

بر مبنای نصوص آیات و روایات، حتی اگر مأمور در مقام اجرای حکم، تعدی کند و مجازاتی بیش از آنچه که در حکم مقرر گردیده است را اعمال نماید، نسبت به مجازات زایدی که بر محکوم علیه اعمال نموده مسئولیت دارد و مستحق قصاص می‌باشد.

در صورتی که اقدامات مأموران در زدن متهم فقط در قالب عنوان ضرب قرار گرفته و فاقد هر گونه آثار ظاهری باشد، بر اساس عموم روایات وارده در این خصوص، حرمت شرعی این اقدامات را می‌توان احراز کرد و هم‌چنین در فتواهای فقهی نیز بر مسئولیت شرعی و کیفری شخص ضارب تأکید شده است.

۴-۲- مفهوم پیشگیری

در استنباط مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم موسعی برای تدابیر پیشگیرانه قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به کار می‌برند. مطابق مفهوم موسع، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش می‌دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع

تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. لذا در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می‌آید. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را دربرمی‌گیرد (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۳: ۷۳۷).

مراد از معنای مضیق، همان پیشگیری‌های معمول در جرم‌شناسی است که عمدتاً در دو گونه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی- فنی مطالعه و به صورت موردی نسبت به یک جرم خاص و یا کلی، نسبت به بزهکاری به شکل ترکیبی اعمال می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۹).

۱-۴-۲- انواع پیشگیری

نوع و ماهیت شغل مأموران نیروی انتظامی از یک طرف و تنوع افرادی که با آنان سروکار دارند از طرف دیگر هیجان و ناکامی را در کارکنان نیروی انتظامی افزایش می‌دهد. از این رو توانایی مأموران در مدیریت پرخاشگری اهمیت فراوانی دارد. به نظر می‌رسد، تصویری که یک مأمور پلیس از خود نشان می‌دهد، بخش مهمی از قدرت و اقتدار او را به نمایش می‌گذارد (ایزدی طامه، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

در جرم‌شناسی اقسام متداولی از پیشگیری مطرح شده که قدیمی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری کودکان و پیشگیری از بزهکاری عمومی است اما در زمینه دسته بندی پیشگیری از بزهکاری، گونه‌های متعددی از سوی جرم‌شناسان مطرح شده است. متنوع بودن روش‌های پیشگیری بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در استراتژی‌ها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲-۴-۲- پیشگیری های متداول

قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری، پیشگیری عمومی است. پیشگیری عمومی به عواملی عمومی پدیده مورد پیشگیری حمله ور می شود (گسن، ۱۳۷۶، ۱۳۴).

۲-۴-۳- پیشگیری انفعالی و فعال

در پیشگیری انفعالی بعضی اقدامهای معمول پیشگیرنده از نوع هشدار پلیسی انجام نمی شود، بلکه در یک انتظار انفعالی برای تأثیر این اقدامها باقی می ماند؛ حال آن که در نوع فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم وارد عمل می شود و مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را به عهده می گیرد که در معرض جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی قرار دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۱). در پیشگیری فعال نیروی پلیس محور اصلی پیشگیری است که برای اجتناب و دوری از وقوع جرایم وارد عمل می شود و در سطح اجتماعی نیز فعال است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۸).

۲-۴-۴- پیشگیری اجتماعی

این نوع از پیشگیری در ایران، علاوه بر صدر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اصل راهبردی حقوق پیشگیری ایران محسوب می شود، در اصول راهبردی دیگر قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. تاکید بر اهمیت خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه (اصل دهم)، حمایت از مادران در نگهداری و تربیت فرزندان (اصل بیست و یکم)، فراهم کردن فرصت های شغلی (اصل بیست و هشتم)، تاکید بر فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه (اصل سی ام)، تامین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل سی و یکم) و تنظیم اقتصاد ایران به گونه ای که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده و اشتغال کامل) تامین شود (اصل چهل و سوم). محیط های اجتماعی شخصی خانواده، مدرسه و کار هر یک به عنوان نهادهای تولیدکننده هنجارهای رفتاری و تامین کننده نیازهای مادی، نقش اساسی در فرایند رشد مادی، معنوی و اجتماعی یعنی جامعه پذیری تدریجی فرد، ایفا می کنند. بنابراین سوء عملکرد هر یک، می تواند این جریان رشد را دچار اختلال و از نظر جرم شناسی، فرد را غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی کند. این رویکرد تا اوایل دهه ۱۹۶۰

میلادی در پژوهش‌های جرم‌شناسان غالب بوده و سیاست جنایی، بیشتر با آورده‌های آن متحول شده است.

این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدامات پیشگیرانه‌ای است که به دنبال حذف یا خنثی کردن عوامل اثرگذار در تکوین جرم می‌باشند. پیشگیری اجتماعی به‌طور مستقیم در مقام جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل برمی‌آید (گسن، ۱۳۷۰: ۳۰۶).

در پیشگیری اجتماعی یا غیر کیفری هدف کلی «ضرب‌المثل معروف علاج واقعه قبل از وقوع باید نمود» می‌باشد. این امر بر این موضوع تأکید دارد که قبل از تحقق یک جرم به‌راحتی می‌توان با تغییر شرایط و رفع علل و عوامل، از وقوع آن جرم جلوگیری نمود. به‌عبارت‌دیگر پیشگیری غیر کیفری درصدد است، علل و عوامل و ریشه‌های زمینه‌ساز بروز جرائم و بزهکاری را از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد. به‌طوری‌که انسان‌هایی پرورش یابند که از مجرمیت به دور باشند. در این نوع پیشگیری توجه به عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... که باعث سوق دادن فرد به‌سوی بزهکاری می‌شوند دارای اهمیت فراوان است. پیشگیری غیر کیفری درمان ریشه‌ای قبل از وقوع جرم است. در این پیشگیری راهکارها خارج از چارچوب دستگاه عدالت بررسی شده و کمتر به‌طور رسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

کمیسیون قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی نیز پیشگیری اجتماعی را بدین نحو تعریف کرده است: پیشگیری اجتماعی عبارت است از، تدابیر و روش‌های آموزشی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم (محمدنسل، ۱۳۸۶: ۵۰).

بنابراین در تعریف پیشگیری اجتماعی می‌توان بیان نمود: پیشگیری اجتماعی شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه از جرائم است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی می‌باشد که در تکوین جرم مؤثر است. این نوع پیشگیری بر مبنای علت شناسی جرم استوار است و با دخالت در محیط‌های اجتماعی مانع از شکل‌گیری انگیزه‌های بزهکارانه و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا می‌گردد و نقش خانواده، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و سیاست‌های کلی اجتماعی بسیار اهمیت دارد.

۵-۴-۲- پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدامات و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت مشرف بر جرم) و مهار آن متمایل است و بیشتر با حمایت از آماج‌های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج‌ها در برابر بزهکاران است که در نهایت و به‌طور غیرمستقیم در مقام جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰). راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی نیز بر حفاظت از بزه دیدگان تمرکز یافته است (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). این روش، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه دیدگی و یا تغییر رابطه بین بزهکار و بزه دیده تأکید کرده‌اند (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۹۹).

منظور از آماج در پیشگیری وضعی همان هدف جرم است. این واژه موضوع بزه و وسیله یا ابزار دسترسی به آن را مشخص می‌کند. بدین‌سان، جسم انسان و یا اموال افراد آماج-موضوع بزه تلقی می‌گردند. برای نمونه، گاهی که فردی دیگری را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهد، جسم انسان آماج بزه واقع شده است. یا وقتی که افرادی با توسل به وسایل متقلبانه مال دیگری را بدست می‌آورد در این بزه، آماج رفتار مجرمانه، مال دیگری است.

۶-۴-۲- پیشگیری کیفری

توسل به کیفر و مجازات صعب و سخت از مشخصات دیرینه سیاست کیفری جوامع، برای ایجاد رعب و وحشت، در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم می‌باشد. برخلاف تصور، این رویه اختصاص به دوران حاکمیت کلیسا و یا عصر روشنگری ندارد. این رویکرد از زمان تشکیل اجتماعات بشری تا به امروز حول محور این توجیه که کیفر باید

موجب تنبیه و بازدارندگی مجرم و تنبیه بزه‌کاران بالقوه شود، چرخیده است (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۵۲).

به‌طور کلی در تعریف پیشگیری کیفری می‌توان گفت «پیشگیری کیفری عبارت است از مجموعه تدابیر و اقداماتی است که هدف از اعمال آن کاهش جرم و بزه، ترس و ارعاب در مجرمان برای عدم تکرار جرم‌های بعدی، جلوگیری از مجرم شدن مجرمان بالقوه تأدیب افراد جامعه علی‌الخصوص مجرمان باهدف افزایش نظم و امنیت عمومی و فردی کاهش انگیزه‌ها و فرصت‌های مجرمانه در افراد جامعه، دفاع از حقوق قربانیان جرم در چارچوب قانون می‌باشد.» (بیات، ۱۳۸۷: ۳۰).

پیشگیری کیفری از دو جهت دارای اهمیت است: یکی ((پیشگیری عام)) که در این نوع پیشگیری، جنبه ارعابی و تهدید کیفری موجبات دوری مرتکبین بالقوه از علل مجرمانه را فراهم می‌سازد. در پیشگیری عام، ایجاد ترس و ارعاب، تهدید و کیفر و نگرانی از دست دادن اعتبار برای همه کسانی که به‌صورت بالقوه آمادگی ارتکاب جرم را دارند مطرح می‌باشد. این سطح از پیشگیری، عموم افراد جامعه را افرادی در نظر می‌گیرد که بالقوه آمادگی برای ارتکاب جرم را دارند بنابراین کوشش می‌شود از طریق آگاهی عمومی از ارتکاب جرم در افراد جلوگیری شود ضمن اینکه جنبه ارعابی و تهدید نیز از نظر دورنگه داشته نمی‌شود.

درمجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مدنظر است به شرح ذیل می‌باشد:

۱- اصلاح بزه‌کار از طریق تعلیم و تربیت جسمی و فکری و روانی با بکار گرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات سالب آزادی و نگهداری بزه‌کار در محیط‌های نیمه‌باز، باز و آزادی مشروط.

۲- حمایت جامعه از دو طریق: تعلیم و تربیت بزه‌کار برای زندگی مجدد در جامعه، ضمن اعمال مجازات‌های سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی، طرد بزه‌کار از زندگی در اجتماع، ضمن اعمال مجازات‌های حبس دائم، حبس‌های طولانی و تبعید.

۳- ارعاب بزه‌کار(پیشگیری فردی): ضمن اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات‌های سالب آزادی.

۴- ارباب دیگران (پیشگیری عمومی): با اعمال مجازات‌های طرد کننده از اجتماع نسبت به بزه‌کار از قبیل کیفرهایی چون حبس دائم و تبعید و... (وهایی، ۱۳۸۲: ۱۵۲)

پیشگیری کیفی نیز مانند پیشگیری وضعی و اجتماعی دارای نقاط قوت و وضعی است که به چند مورد آن اشاره می‌نماییم.

۵-۲- رویکردهای اسلامی در خصوص پیشگیری از جرم

اسلام در زمینه فرآیند پیشگیری از جرم دو مرحله را بیان می‌کند، مرحله نخست، به معرفی و پیشگیری عمومی تمام جرایم پرداخته که این مرحله را پیشگیری اولیه نام نهاده اند، که مترادف با پیشگیری عمومی است. مرحله بعد، به عوامل خصوصی موثر بر جرم، توجه دارد که این مرحله پیشگیری ثانویه نام دارد. در تعالیم اسلامی، پیشگیری از جرم از جایگاه والایی برخوردار است. توجه به نظارت دائمی خداوند، اعتقاد به حساب و کتاب دقیق اعمال پیدا و پنهان انسان در روز قیامت، حفظ کرامت و عظمت انسان و پاسداری وجود از آلودگی، توصیه به کسب حلال و روزی پاکیزه، جهاد با عوامل مخرب ارزش‌های انسانی و نفس خویش، راز و نیاز و عبادت و... همه زمینه‌ساز دور کردن انسان از فضای جرم و گناه است. از نظر اسلام پیشگیری از جرم علاوه بر آن که عمل به معروف است مقدمه رسیدن انسان به اهداف عالی تر نیز هست و از این جهت زمینه را برای رشد و نمو انسان فراهم می‌کند (عبدی، نجفی، خواجه بلاغ، ۱۳۹۷: ۶۵). اسلام برای سالم سازی محیط زندگی و بازداشتن مردم از معصیت و گناه، تدابیر خاصی اندیشیده و برای اجرای آنها به طرق مختلف اصرار ورزیده است. اهم این تدابیر که از نظر اهمیت، مقدم بر مجازات قرار دارند به ترتیب عبارتند از: جهان بینی توحیدی، و نقش بازدارندگی آن

نهاد امر به معروف و نهی از منکر، تهذیب و تزکیه نفس به وسیله تعلیمات اخلاقی (عبدی، ۱۳۹۷: ۶۵)

۶-۲- منابع قانونی منع خشونت

در منابع و اسناد جهانی و بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و همچنین منابع داخلی و منابع شرعی، خشونت فیزیکی و کلامی نسبت به متهمان مورد نکوهش قرار گرفته و ضمن ممنوعیت آن مجازات‌هایی برای مرتکبان آن در نظر گرفته شده است. در این گفتار ابتدا

منابع و اسناد جهانی و منطقه‌ای، سپس منابع داخلی منع خشونت بررسی می‌شود و در انتها منابع شرعی منع خشونت از منظر آیات قرآن و روایات مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۲-۷- عوامل فردی مؤثر بر خشونت

عوامل مؤثر بر احتمال بروز خشونت عواملی است که به دیدگاه مأموران نیروی انتظامی و اعتقادات و باورهای آنان، وضعیت جسمی و روحی آنان مربوط می‌شود.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ میزان و درجه کنترل، از جمله پژوهش‌های میدانی است و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات نیز از جمله تحقیقات توصیفی - پیمایشی محسوب شده که با استفاده از روش‌های کمی، داده‌های آن بررسی شده است، قلمرو جغرافیایی پژوهش شامل کارکنان نیروی انتظامی استان سمنان می‌باشد و جامعه آماری پژوهش را نیز ۶۶ نفر از این افراد تشکیل داده‌اند.

جامعه آماری این پژوهش به تعداد ۶۶ نفر از گروه کارکنان آگاهی، مواد مخدر و پلیس پیشگیری فاتب انتخاب شدند.

جمع‌آوری اطلاعات بصورت مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی مستندات مکتوب (کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها) و بهره‌گیری از منابع و ابزارهای جدید اطلاعاتی که به فراخور موضوع استفاده شده بود. بصورتی که بخش اول مطالعات، کتابخانه‌ای بوده و پس از مشخص کردن اهداف و فرضیه‌های پژوهش در بخش دوم از پرسشنامه استاندارد شده، استفاده شد.

در یک پژوهش، پس از شناخت هدف و تعریف مسأله تحقیق، همواره سؤال یا سئوالاتی به ذهن پژوهشگری می‌رسد و پژوهشگر باید با طراحی یک طرح مناسب تحقیق، پاسخ سئوالات خود را به نحوی که از دقت و صحت قابل قبولی برخوردار باشند، به دست آورد. یک طراحی مناسب شامل تعیین شاخص‌های مناسب و مورد نیاز برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق و سپس انتخاب مناسب‌ترین روش برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده است. در مواردی که صفت‌هایی در طرح تحقیق وجود دارند که آن‌ها را نمی‌توان با وسایل اندازه‌گیری، اندازه گرفت، تنها راه عینی، جمع‌آوری داده‌ها (وسیله

مناسب) استفاده از پرسشنامه است. برای طراحی یک پرسشنامه خوب، ابتدا باید هدف را کاملا شناخت، سپس صفت‌های عینی مورد نیاز برای رسیدن به هدف را تعیین کرد (صفت‌هایی که هدف را پوشش می‌دهند) و آنگاه مناسب‌ترین سئوالات را برای اندازه‌گیری آن هدف در نظر گرفت (نگهبان، ۱۳۸۲: ۱۷). در ساختن یک پرسشنامه خوب باید دقت شود که پرسش‌هایی انتخاب شوند که در رابطه با هدف تحقیق نقش اساسی دارند و هر سؤال پرسشنامه بیان‌کننده یک ویژگی تغییرپذیر است، پس هر سؤال از نظر آماری یک متغیر است.

اعتماد یا پایایی مسأله‌ای کمی و تکنیکی است و بیشتر ناظر بر این سؤال است که ابزار اندازه‌گیری با چه دقت و صحتی پدیده یا صفت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند.

مهمترین روش‌ها برای مشخص کردن پایایی پرسشنامه، روش آلفای کرونباخ است (منیدری، ۱۳۹۵: ۲۷). این روش بر مبنای متوسط میزان همبستگی بین پرسش‌های پرسشنامه است برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره‌های زیر مجموعه سؤال‌ها را محاسبه نموده و آنگاه با استفاده از فرمول زیر مقدار آن‌ها را محاسبه کنیم:

$$r\alpha = \frac{J}{J-1} \cdot \left[1 - \frac{\sum sj^2}{s^2} \right]$$

J = تعداد زیرمجموعه سؤال‌های پرسشنامه

sj = واریانس زیرمجموعه آزمون j ام

s^2 = واریانس کل آزمون

$r\alpha$ = ضریب آن‌ها

مطابق با فرمول فوق، اعتبار و روایی پرسشنامه براساس ضریب آلفا ($r\alpha$) یا ضریب اعتماد مورد سنجش قرار می‌گیرد. علاوه بر در نظر گرفتن فرمول، جهت روایی و اعتبار پرسشنامه، مقدمه‌ای شفاف و رسا که اهداف تحقیق حاضر را برای آزمودنی‌ها روشن نماید، تهیه و پرسش‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که ضمن پوشش تمامی فرضیه‌ها و سئوالات تحقیق، پرسش که از قابلیت درک و تسلسل معنی‌داری برخوردار باشند. همچنین پرسش‌ها

به شیوه‌ای طراحی شده‌اند که پرسش شوندگان بتوانند با انگیزه بالاتری به آن‌ها پاسخ داده و حتی‌الامکان از طرح پرسش‌های نامفهوم و ابهام‌آمیز پرهیز شده است (صفوی، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹).

در این پژوهش اعتبار این مقیاس از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.94$) محاسبه شد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری *SPSS* نسخه ۲۴ انجام شد. برای توصیف صفات کمی به محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین، انحراف استاندارد) پرداخته شد از آزمون شاپیرو ویلکز جهت مشخص نمودن نرمال بودن یا عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده می‌گردد سپس برای بررسی همه‌ی فرضیه‌های تحقیق از آزمون فریدمن استفاده شد.

در این قسمت ابتدا آمارهای توصیفی آرایه شده است و سپس به استفاده از آزمون فریدمن به آزمون فرضیه‌های پژوهش اشاره شده است.

جدول شماره (۱): جدول آماره‌های توصیفی مولفه‌های فردی مؤثر بر خشونت

مولفه‌های فردی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	پایین-ترین نمره	بالاترین نمره
ضعف آگاهی نسبت به احکام اسلامی	۸۰	۳,۴۰۰۰	۱,۲۶۸۹۱	۱,۰۰	۵,۰۰
ضعف آگاهی نسبت به احکام حقوقی و قوانین موضوعه کشور	۸۰	۳,۳۳۷۵	۱,۰۳۰۴۷	۱,۰۰	۵,۰۰

۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۴۱۸۴	۳,۲۵۰۰	۸۰	ضعف تقید به مبانی شرعی، احکام اسلامی و قانون اساسی
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۲۳۹۶	۳,۰۵۰۰	۸۰	احساس حمایت از نظام جمهوری اسلامی و جامعه
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۲۷۳۸۹	۳,۱۵۰۰	۸۰	اختلال روانی و شخصیتی
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۵۷۲۶	۳,۴۵۰۰	۸۰	پایین بودن آستانه تحمل
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۲۳۴۶	۳,۶۲۵۰	۸۰	وجود روحیه خشونت و تندخویی
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۸۹۰۰	۳,۴۳۷۵	۸۰	داشتن روحیه جاه طلبی و کسب شهرت
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۳۴۱۵	۳,۶۳۷۵	۸۰	نارضایتی از شغل خدمتی
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۹۵۴۵	۳,۷۰۰۰	۸۰	راضی نبودن از حقوق و مزایا
۵,۰۰	۱,۰۰	۱,۱۰۶۶۵	۳,۶۲۵۰	۸۰	مشکلات شدید خانوادگی

برای مقایسه میزان اهمیت مولفه‌های فردی موثر بر خشونت از آزمون غیرپارامتریک فریدمن استفاده شده است.

جدول شماره (۲): میانگین رتبه‌های مولفه‌های فردی مؤثر بر خشونت

میانگین رتبه‌ها	مولفه‌های فردی
۵,۸۸	ضعف آگاهی نسبت به احکام اسلامی
۵,۷۷	ضعف آگاهی نسبت به احکام حقوقی و قوانین موضوعه کشور
۵,۴۸	ضعف تقید به مبانی شرعی، احکام اسلامی و قانون اساسی
۵,۰۹	احساس حمایت از نظام جمهوری اسلامی و جامعه
۵,۳۱	اختلال روانی و شخصیتی
۶,۱۰	پایین بودن آستانه تحمل
۶,۵۶	وجود روحیه خشونت و تندخویی
۵,۹۵	داشتن روحیه جاه طلبی و کسب شهرت
۶,۵۹	نارضایتی از شغل خدمتی
۶,۷۷	راضی نبودن از حقوق و مزایا
۶,۴۹	مشکلات شدید خانوادگی

براساس جدول ۲، مهمترین مولفه‌های عوامل فردی، به ترتیب مولفه "راضی نبودن از حقوق و مزایا (میانگین رتبه ۶/۷۷)"، نارضایتی از شغل خدمتی (با میانگین رتبه ۶/۵۹)،

وجود روحیه خشونت و تندخویی (با میانگین رتبه ۶/۵۶)، مشکلات شدید خانوادگی (با میانگین رتبه ۶/۴۹)، پایین بودن آستانه تحمل (با میانگین رتبه ۶/۱۰)، داشتن روحیه جاه طلبی و کسب شهرت (با میانگین رتبه ۵/۹۵)، ضعف آگاهی نسبت به احکام اسلامی (با میانگین رتبه ۵/۸۸)، ضعف آگاهی نسبت به احکام حقوقی و قوانین موضوعه کشور (با میانگین رتبه ۵/۷۷)، ضعف تقید به مبانی شرعی، احکام اسلامی و قانون اساسی (با میانگین رتبه ۵/۴۸)، اختلال روانی و شخصیتی (با میانگین رتبه ۵/۳۱) و احساس حمایت از نظام جمهوری اسلامی و جامعه (با میانگین ۵/۰۹) می‌باشد. و بین این مولفه‌ها از نظر تاثیر بر خشونت، براساس جدول ۳، تفاوت معنادار ($P < 0/001$) بین رتبه و به عبارتی میزان اثر این مولفه‌ها از نظر تاثیر بر خشونت وجود دارد.

جدول شماره (۳): آماره فریدمن برای مقایسه میانگین رتبه‌های مولفه‌های علل فردی موثر بر

خشونت

۸۰	تعداد
۲۹/۵۹	کای اسکویر
۸	
۱۰	درجه آزادی
۰/۰۰۱	p

براساس جدول ۳، بین میانگین رتبه مولفه‌های فردی موثر بر خشونت تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0/001$).

۱۸- نتیجه و پیشنهادات

با توجه به اهمیت نیروی انتظامی و نقش آنها در حفظ نظم و امنیت در جامعه، پرداختن به مسائل و مشکلات رفتاری کارکنان آن، ضروری به نظر می‌رسد. نیروی انتظامی در کنترل و پیشگیری انحرافات و جرائم جامعه جایگاه مهمی دارد که این حجم عظیم وظایف و مأموریت‌ها، طبعاً آسیبهایی را متوجه کارکنان می‌گرداند. گاهی برخی از مأموران نیروی انتظامی در برخورد با متهمان مرتکب اعمال خشونت می‌شوند در این تحقیق به شناسایی عوامل فردی خشونت و راه‌های پیشگیری از آن که در بروز خشونت نقش دارند، در نیروی انتظامی استان سمنان پرداخته شده است. از انواع خشونت در این پژوهش به خشونت فیزیکی و کلامی اشاره شده است. از دیدگاه اسلام و قوانین موضوعه خشونت امری ناپسند و برخلاف حقوق شهروندی محسوب می‌گردد و مرتکبین آن مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند. عوامل خشونت نیروی انتظامی عوامل مختلفی دارد که در این مقاله به عوامل فردی مؤثر بر بروز خشونت اشاره شده است. ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به متهمان با توجیه ضرورت کشف جرم است و وقوع آن در همه سازمان‌های پلیس دنیا عمومیت دارد. با این حال با توجه به حاکمیت نظام اسلامی و همچنین ممنوعیت قانونی این گونه اقدامات، ضرورت دارد تا با شناسایی عوامل ناخوشایند و بکارگیری راهکارهای پیشگیرانه، از وقوع این اعمال مجرمانه در سازمان نیروی انتظامی جلوگیری کرد و از تأثیر منفی در اذهان عمومی نسبت به نیروی انتظامی جلوگیری کرد.

روش این تحقیق توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری تمامی مأمورانی که امور مربوط به متهمین به آنها محول شده است می‌باشند. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. بر اساس رتبه بندی میزان تأثیر عوامل فردی مؤثر بر خشونت مأموران نیروی انتظامی در مراحل دادرسی از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

رتبه بندی از نظر مأموران نیروی انتظامی از بین عوامل فردی مؤثر در ضرب و جرح متهم توسط مأمورین راضی نبودن از حقوق و مزایا در رتبه اول، نارضایتی از شغل در رتبه دوم و وجود روحیه خشونت و تندخویی در رتبه سوم قرار دارند؛ و بین این مولفه‌ها تفاوت معناداری از نظر تأثیر بر خشونت وجود دارد. با توجه به موارد و نتایج پیشنهاد می‌شود:

برگزاری دوره های آموزشی ضمن خدمت جهت آگاهی کارکنان نسبت به احکام اسلامی و آگاه سازی از حقوق شهروندی و قوانین آن.

برگزاری کارگاه های معرفت افزایی و اخلاق کاربردی برای مأموران نیروی انتظامی جهت رفع ضعف تقید نسبت به مبانی شرعی و احکام اسلامی و قانون اساسی.

استفاده از تمرینات مختلف جسمی و تقویت ایمان و باورهای اعتقادی جهت بالا بردن آستانه تحمل مأموران.

اجرای آزمونهای روانی و شخصیتی در تشخیص مأموران دارای اختلالات روانی و شخصیتی.

آسیب شناسی علل نارضایتی از شغل خدمتی و عدم بکارگیری نیروهای ناراضی از شغل بازجویی.

برخورد انضباطی و قضایی با مأموران متخلف.

ارزیابی مداوم مأموران و تشکیل پرونده شخصیتی، و جلوگیری از بکارگیری افراد تندخو در مشاغل بازجویی.

منابع:

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). جرم شناس پیشگیری. جلد اول. تهران. نشر میزان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، ساختار جامعه ما راه حل های خشن را تبلیغ می کند. روزنامه نوروز.
- ایزدی طامه، احمد و همکاران، (۱۳۸۹)، تأثیر آموزش صبر و حل مسئله بر کاهش پرخاشگری و انتخاب راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم.
- ایمانی، عباس، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان.
- بیات، بهرام، شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. تهران. معاونت اجتماعی ناجا.
- حراعلی، محمدبن حسن (بی تا)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحثیل مسائل الشریفه، جلد ۱۸، ۱۹، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ ششم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. جلد ۷. انتشارات دانشگاه تهران.
- راعی، مسعود (۱۳۷۹). خشونت و کرامت انسان. مجله کتاب نقد. شماره ۱۴ و ۱۵.
- شکری، رضا، قادر سیروس (۱۳۸۵)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، مهاجر.
- عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عبدی، رمضانعلی، عبدی، توحید، نجفی خواجه بلاغ، عسگر (۱۳۹۷)، بررسی نقش مؤلفه های پیشگیری اجتماعی از جرم از نظر اسلام در موفقیت پلیس، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۴.
- گسن، ریموند (۱۳۷۶). روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه دکتر ابرندآبادی. مجله تحقیقات حقوقی. شماره های ۱۹ و ۲۰. دانشگاه شهید بهشتی تهران.

گسن، ریموند(۱۳۷۰). بحران سیاست جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۱۰.

محمدنسل، غلامرضا(۱۳۹۱)، بررسی علل وقوع و شیوه های اثربخش پیشگیری از ضرب و جرح متهمین، آذربایجان غربی، دفتر تحقیقات کاربردی.

محمد نسل، غلامرضا(۱۳۸۶). اصول و مبانی نظریه فرصت جرم. فصلنامه دانشکده حقوق دانشگاه تهران. دوره ۳۷. شماره ۳.

موسوی فرد، سیدامین(۱۳۹۶)، بررسی نگرش های دینی و قانونی درباره پدیده ضرب و شتم متهمان، مجله بصیرت و تربیت اسلامی.

مهاجری، علی(۱۳۷۹)، جرائم خاص کارکنان دولت، تهران، سازمان انتشارات کیهان.

میر خلیلی، سید محمود(۱۳۸۵). پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام. رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۷۹). دوران گذر، خشونت و امنیت عمومی. مجله امنیت. شماره ۱۱ و ۱۲.

- نجفی توانا، علی(۱۳۸۴). جرم شناسی. چاپ سوم. نشر آموزش و سنجش. ص ۵۲.

نیاز پور، امیر حسین(۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، ص ۱۷۰.

وهایی، زهرا(۱۳۸۲). پیشگیری از جرم از منظر جرم شناسی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.

Kat h l een M a s s , W e i g e r t , S t r u c t u r a l V i o l e n c e , P e a c e A n d C o n f l i c t - 0
Vo ۱۳, L e s t e r , ۱۹۹۹ p.p.

Investigating the individual factors affecting the beating and wounding of law enforcement officers from the perspective of jurisprudence and law (Case study of Semnan police force)

Zahra Feizi , mokhtar yourdkhani , faeze jahan

Abstract

The police force is the most important organization in charge of order and security in the society, and it seems necessary to address their behavioral issues and problems. Officers use legal means to establish security and order, but; Sometimes, some officers inflict beatings on the accused while on duty; Officers' violence against defendants reduces indicators of social security and trust.

The purpose of this study is to identify effective methods of criminal prevention of crimes focusing on the crime of assault and injury of law enforcement personnel and their prioritization. This research is a survey in terms of type of application and descriptive in terms of research method. Due to the dimensions of research variables, a quantitative method has been used. The statistical population is the police officers of Semnan province that ۶۶ people were randomly selected by probabilistic sampling of systematic classes who were given a questionnaire and its validity through content validity and its reliability through Cronbach's calculation ($\alpha = ۹۴\%$) Was evaluated. Cochran's test was used to calculate the sample size.

The most important findings obtained from data analysis indicate that individual factors affecting the incidence of violence, dissatisfaction with salaries and benefits in the first place, dissatisfaction with the job in the second place and the presence of a spirit of violence and aggression in the third place has it

Keywords: Police officers, violence, beatings, personal factors